

مقایسه تفکر انتقادی بین دبیران تخصصی و غیر تخصصی درس مطالعات اجتماعی متوسطه دوره اول استان خراسان جنوبی

مجتبی لاری^{۱*}، نرگس اصغری^۲

۱- کارشناس ارشد رشته علوم تربیتی دانشگاه آزاد واحد قاین، کارشناس مسئول آمار آموزش و پرورش خراسان جنوبی

۲- کارشناس ارشد رشته جغرافیا دانشگاه پیام نور بیرجند، دبیر مطالعات اجتماعی آموزش و پرورش شهرستان بیرجند

Lari2100@Yahoo.com

چکیده

هدف از این تحقیق مقایسه مهارت تفکر انتقادی در بین دبیران تخصصی و غیر تخصصی درس مطالعات اجتماعی استان خراسان جنوبی بود. روش این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی (مقایسه‌ای) بوده است. از نظر زمانی پژوهش از نوع مقطعی یعنی در یک دوره زمانی خاص (سال تحصیلی ۹۵-۹۴) انجام گرفته است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه دبیران مطالعات اجتماعی دوره تحصیلی متوسطه دوره اول استان خراسان جنوبی تشکیل داده‌اند که از این تعداد ۱۱۳ نفر دبیران غیر تخصصی و ۱۴۰ نفر دبیران تخصصی بر اساس جدول مورگان به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه گرایش به تفکر انتقادی کالیفرنایی (CCTDI) با ثبات درونی $\alpha = 0/90$ استفاده شد. نتایج تحقیق با استفاده از آزمون u مان ویتنی در سطح معنی‌داری $P \leq 0/05$ نشان داد که متغیر تفکر انتقادی و مؤلفه‌های آن از جمله حقیقت‌جویی، انتقادپذیری، قدرت تجزیه و تحلیل، قدرت سازمان‌دهی اطلاعات، اعتماد به نفس، میزان رشد یافتگی و جستجوگری در بین دبیران تخصصی و غیر تخصصی درس مطالعات اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: تفکر انتقادی، مطالعات اجتماعی، متوسطه دوره اول

۱- مقدمه

قرن هاست که فلاسفه و صاحب‌نظران علوم تربیتی بر این باورند که انسان برای حفظ و ادامه زندگی خود نیازمند یادگیری و اندیشیدن است (آبرامی، ۲۰۰۸). در عصری که کتاب‌های درسی به سرعت کهنه می‌شوند و نوآوری دائماً تجربه می‌شود اهداف نهایی کلی تعلیم و تربیت ناگزیر باید تغییر یابد به عبارت دیگر روش‌های سنتی تدریس و یادگیری یعنی جایگاه منفعل فراگیران در محیط آموزشی و تکیه بر پر کردن از اطلاعات، دیگر جوابگوی نیازهای تربیتی نسل حاضر و آینده نخواهد بود و برای تربیت صحیح فراگیران نیاز است تا آن‌ها آزادانه، خلاقانه و نقادانه و به‌طور علمی بی‌اندیشد. برنامه‌های مدارس و مراکز آموزشی باید نظم فکری را به فراگیران منتقل نمایند و چنان سازمان‌دهی شوند که آن‌ها را به‌جای ذخیره‌سازی حقایق علمی، درگیر مسئله نمایند و آنان را برای روبرو شدن با تحولات شگفت‌انگیز قرن بیست و یکم به‌طور فزاینده‌ای به مهارت‌های تفکر جهت تصمیم‌گیری مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه مجهز نمایند (مایرز، ۱۳۷۴). به همین دلیل متخصصان تعلیم و تربیت به‌جای انتقال حقایق علمی، پرورش و تقویت روش‌ها و نگرش‌های علمی را توصیه می‌کند و به‌جای تولید مجدد حقایق علمی، فرآیند را مورد توجه قرار داده‌اند، آن‌ها معتقدند که فراگیران به‌جای کسب حقایق علمی باید به روش کسب حقایق علمی توجه کنند و به‌جای انباشت حقایق علمی در ذهن بیاموزند که چگونه شخصاً فکر کنند، تصمیم بگیرند و درباره امور مختلف قضاوت کنند (شعبانی، ۱۳۷۹).